

ویژگی‌های یک قاضی خوب؛
اصول اخلاق قضایی و رفتار حرفه‌ای*
مهدی ناصری دولت‌آبادی**
مصطفی صبوری***

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۷/۱۹ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۹/۲۵

«جز شخصیت قاضی، هیچ تضمین دیگری برای اجرای عدالت وجود ندارد».
یوجن ارلیک

چکیده

ابهام‌زدایی، ایضاح و تکریم ویژگی‌ها و فضیلت‌های قضات شایسته سبب می‌شود قضاتی که فاقد این فضیلت‌ها هستند نیز در یک فرایند مداوم یادگیری و تقلید، شایستگی‌های خود را افزایش دهند و نهایتاً این فرایند به بهبود و ارتقاء جایگاه دستگاه قضا در افکار عامه جامعه منتج شود. مقاله پیش رو در راستای دستیابی به هدف مزبور، با رویکردی تاریخی-مقایسه‌ای به بررسی فضیلت‌های قضایی در ادوار تاریخی، فرهنگ‌های حقوقی متفاوت و نظریات مطرح در علم حقوق می‌پردازد و به صورت اجمالی به نقش قضات در اروپا و بازتعریف آن تحت تأثیر پدیده‌های نوظهوری چون بین‌المللی شدن قوانین و اهمیت یافتن منشور حقوق بشر اشاره می‌کند. افزون بر آن، پژوهش حاضر با انجام نظرسنجی از قضات شاغل، قضات کارآموز و دانش‌آموختگان حقوق متقاضی شرکت در آزمون قضاوت، فضیلت‌ها و مهارت‌های قضات شایسته را شناسایی کرده و در کانون توجه قرار می‌دهد و در این راستا، این استدلال را مطرح می‌کند که قضات شایسته تجسم‌بخش ارزش‌های والایی چون استقلال و بی‌طرفی، قابل‌اعتماد بودن و اخلاق‌مداری خواهند بود.

واژگان کلیدی: قضات شایسته، فضیلت‌های قضایی، بینش قضایی، بی‌طرفی.

*مقاله پیش رو ترجمه‌ای از یک پژوهش گروهی با مشارکت لیلی بارنا، دوروتیا جوهانز و سوماروک و تحت نظارت دورا ویراگ داداس می‌باشد که در سال ۲۰۱۷ به «شبکه آموزش قضایی اروپا» ارائه گردیده است. لازم به ذکر است که مرکز آموزشی مزبور مهم‌ترین نقش را در ارتقاء و مبادله دانش پیرامون سیستم قضایی اروپا بر عهده دارد و منافع بیش از ۱۲۰۰۰۰ قاضی، دادستان و فعال عرصه آموزش قضایی را نمایندگی می‌کند.
**دانشجوی دکتری حقوق خصوصی دانشگاه عدالت (نویسنده مسؤل).

naserimahdi88@yahoo.com

***دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه تهران.

m.sabori@ut.ac.ir

مقدمه

برای ما قضاوت کارآموز، اخلاق قضایی عمدتاً به معنای ویژگی‌های یک قاضی خوب است. با این حال، مشخص نیست که این ویژگی‌ها چه هستند. اگرچه چندین منبع علمی، اطلاعات و دانشی را پیرامون ویژگی‌های یک قاضی خوب فراهم آورده است، با این حال ما در دانشکده حقوق، دانش عملی در این زمینه کسب نمی‌کنیم و تجربه دوران کارآموزی قضایی نیز به آن میزان نیست که تصویری جامع و روشن از ویژگی‌های اساسی یک قاضی خوب را برای ما فراهم آورد. بنابراین در مقاله پیش رو، از منظر گسترده‌تر اخلاق قضایی، ارزش‌ها و فضیلت‌هایی را که قضاوت برای موفقیت در عملکردهای قضایی به آن احتیاج دارند مورد بررسی قرار می‌دهیم.

ترکیبی از یک پژوهش نظری و تجربی می‌تواند تحلیلی جامع از ویژگی‌های یک قاضی خوب را فراهم آورد. پژوهش‌های علمی موجود در کتابخانه‌ها و اینترنت و همچنین نظرسنجی‌های صورت گرفته از قضاوت شاغل، کارآموزان قضاوت و متقاضیان تصدی پست قضاوت دو منبع اصلی مقاله حاضر به شمار می‌آیند.

با انجام این پژوهش قادر خواهیم بود تصویری کلی از ریشه‌ها و نحوه تکامل فضیلت‌های قضایی ارائه داده و برداشت‌های متفاوت از آن را در بستر فرهنگ‌های حقوقی کنونی مورد ارزیابی قرار دهیم. علاوه بر این، ضمن تمرکز بر نقش‌ها و مسؤولیت‌های فعلی قضاوت در اروپا، دیدگاه‌های دانشمندان و فعالان قضایی را در باب ویژگی‌های یک قاضی خوب مورد بررسی قرار می‌دهیم. با جمع‌بندی تمامی دیدگاه‌های مرتبط با این موضوع، می‌توانیم اصلی‌ترین فضیلت‌های قضایی را شناسایی کنیم. ما همچنین به بررسی این مسئله می‌پردازیم که چگونه این ویژگی‌ها و مهارت‌ها بهبود می‌یابند. نتیجه پژوهش پیش رو مؤید این امر است که فضیلت‌های قضایی قانونی را می‌توان به صورت شفاف‌تری تعریف کرد و قوام بخشید.

یافته‌های این مقاله سبب بهبود تصویر قضاوت در اروپا می‌شود و کارآموزان قضایی با رجوع به آن، فضیلت‌های قضایی خود را ارتقا خواهند بخشید.

۱. نگرش‌های متفاوت پیرامون ویژگی‌های قاضی خوب

به منظور شناسایی ویژگی‌های اساسی قاضی ایدئال، لازم است چگونگی تکامل و تطوّر

فضیلت‌های قضایی را در بستر تاریخ مورد بازبینی قرار دهیم. همچنین، آگاهی از نقش‌ها و مسؤولیت‌های کنونی قضاوت در اروپا و انتظارات گوناگونی که از آنها وجود دارد ضروری می‌نماید. دیدگاه‌های علمای حقوق و قضاوت پیرامون این موضوع نیز حائز اهمیت است. می‌توان از طریق بازبینی موسع دکترین‌ها و آرمان‌های مرتبط با فضیلت قضایی، اساسی‌ترین ارزش‌های را که یک قاضی باید در سیستم حقوقی ما دارا باشد را دریافت.

۱-۱. قضاوت آرمانی در ادوار گذشته - فضیلت‌های قضایی در بستر تاریخ

تصویر یک قاضی خوب در ادوار گذشته از دوران باستان تا عصر میانه و مدرن به شکل‌های گوناگونی ظهور و بروز یافته است.

آرمان یک قاضی خوب ریشه در الهه‌های باستانی عدالت دارد که تجسم نیروی اخلاقی در سیستم‌های قضایی به شمار می‌آیندند. «مات» الهه مصری، «تمیس» الهه یونانی و «جاستیتیا»^۱ (ایزد بانوی دادگستر) الهه رومی، به عنوان نماد عدالت مطلق به شمار می‌آیندند که انتظار می‌رفت قضاوت از آنها الگو برداری کنند. این الهه‌ها تجسم نظم الهی، حقیقت و بی‌نقص بودن قوانین بودند. جنسیت مؤنث نمادهای عدالت حاکی از جایگاه والای زنان در جامعه مصری بود که بر هنجارهای محدودکننده‌تر یونانی و رومی تأثیر گذاشت. همه آن الهه‌ها با مجموعه‌ای از اشیاء که سمبل عدالت بودند به نمایش درمی‌آمدند. «مات» نمادهای قدرت و زندگی جاودانه را در دست داشت. «تمیس» و «جاستیتیا» با شمشیر و ترازویی که نمادهای اقتدار و سنجش حقیقت بودند تجسم می‌یافتند. نقاشی‌های موجود از «ایزد بانوی دادگستر»^۲ با چشم‌بندی بر چهره متعلق به دوران مدرن است و به دوران کلاسیک ارتباط ندارد. مفهوم «عدالت کور»^۳ در سده شانزدهم میلادی مطرح گردید و بی‌طرفی به مثابه آرمانی که ذیل آن عدالت فارغ از توجه به قدرت، ثروت و دیگر شوون به اجرا درمی‌آید را به تصویر می‌کشید. در برخی از شرح‌های مدرن، چشم‌بند ایزد بانوی دادگستر نشان دهنده ضرورت هوشیاری و آگاه بودن

1. Maat.

2. Themis.

3. Justitia.

4. Lady Justice.

5. Blind Justice.

قضات تفسیر شده است (Assmann, 2006 & Powell, 1995 & Hamilton, 2005). در دوران باستان مقامات قضایی (پادشاهان، قضات کشیش و ...) خود را حاکم بر الهه عدالت معرفی و احکام الهی را که بر قلبشان نازل می‌شد بیان می‌کردند. الهه‌ای که مقامات قضایی به آن ارجاع می‌دادند روحی بود که به جای ارائه توضیحات قانونی دقیق از قوانین، عدالت را به اجرا درمی‌آورد. در پرونده‌های پیچیده، حتی الهامات و پیشگویی‌هایی از این الهه‌ها طلب می‌شد. نصایح بسیار کاربردی و گشایش‌های قابل توجه از این روح مجری عدالت به دست می‌آمد و به این سبب، قضات دوران باستان مشمول احترام قابل توجهی در میان عامه مردم بودند. با این حال، قضات فاقد آموزش حقوقی-قضایی بودند و قدرت قضایی از قدرت اجرایی و قانون‌گذاری تفکیک نشده بود (Maine, 1861, pp.3-5). در یونان باستان، عدالت به وسیله خانواده‌ها اداره می‌شد. تطمیع و تملق ممکن بود قضات را متزلزل سازد و دستیابی به عدالت را با مشکل مواجه کند (Law and Order, 2017).

با این حال، بر خلاف این پیش‌زمینه، فلاسفه یونان تلاش داشتند قاضی آرمانی را به عنوان فردی مصون از گناه تعریف کنند. ارسطو،^۲ بر فضیلت‌هایی چون «عدالت اصلاحی» به منظور برقراری تعادل میان دستاوردها و زیان‌های غیر منصفانه، «عقل عملی» یک فرد شایسته و بالغ و «عاری بودن از خودپرستی و هوای نفس» در راستای خیر و مصلحت عامه تأکید می‌کرد (Truran, 2013, p.250).

سقراط،^۳ بر این باور بود که یک قاضی باید چهار کار را انجام دهد: «۱- باوقار گوش کند. ۲- عاقلانه پاسخ دهد. ۳- با طمأنینه رسیدگی کند. ۴- بی‌طرفانه تصمیم بگیرد». در آتن، محکمه‌ها از اعضای هیأت منصفه تشکیل می‌شد که به صورت اتفاقی و تصادفی از میان همه طبقات اجتماعی انتخاب می‌شدند و تصمیمات آنها بر پایه قانون نبود، بلکه بر ارزش‌های فلسفی مبتنی بود که از رهگذر آن، جبران خسارت غیر منصفانه ممکن می‌گردید. با این حال، در روم باستان قضاوت‌ها غالباً مبتنی بر قوانین موضوعه انجام

1. Available at: https://reshafim.org.il/ad/egypt/law_and_order/index.html.

2. Aristotle.

3. Socrates.

می‌شد. «قاضی» در جامعه شهرت عام داشت و موظف بود «مبتنی بر حاکمیت قانون صلح را برقرار سازد». قاضی فاقد آموزش‌های قضایی بود اما بسیاری از مشاوران حقوقی به او یاری می‌رساندند. اقتدار قاضی آرمانی، با مشخصه‌هایی چون عقلانیت و کفّ نفس مشخص می‌شد. قاضی منصفانه عمل می‌کرد و از بروز رفتارهای پرخاشگرانه، بی‌رحمانه و تهدیدآمیز اجتناب می‌ورزید. نقش قاضی عمدتاً منفعلانه بود، به این معنا که به جای اتخاذ نقش فعالانه در دعاوی، صرفاً به استدلال‌ات طرفین گوش می‌سپرد (Bablitz, 2007, pp.89-90).

سیستم قضایی روم بنیادهایی را برای ایدئال‌های نوین غرب از عدالت فراهم آورد. با این حال، بعد از فروپاشی امپراتوری روم سنت‌های قبیله‌ای پیشینی که ریش سفید قبیله بر پایه رسوم و به نام اراده خدایان احکام قضایی را صادر می‌کرد، احیا گردید (Stolleis, 2008, p.206).

دین مسیحیت مفهوم‌های باستانی عدالت را به صورت اساسی تغییر داد. برای مسیحیان، خدای یکتا که تجسمی مردانه داشت، قاضی جهان مصنوع خویش به شمار می‌آمد. کتاب مقدس (انجیل) بر حکمت و دانش لایتناهی خداوند به عنوان ناظر بر قلب‌ها و جوینده واقعیت‌ها تأکید داشت. خداوند تنها قضاوت‌کننده نبود، بلکه قانون‌گذار و مجری قضاوت‌ها نیز بود. در دوران میانه اروپا، خداوند به عنوان قاضی مطلق و قادر متعال محسوب می‌شد. پادشاهان، قدرت خداوند در زمین را به ودیعه گرفته بودند و به عنوان قضات عالی‌رتبه عمل می‌کردند، در حالی که شوالیه‌ها، بزرگان، اعیان و دیگر مقامات عالی‌رتبه نیز در دادگاه‌ها به ارائه خدمات قضایی می‌پرداختند. دادرسی دادگاه‌ها غالباً مبتنی بر رسوم عرفی و مذهبی بود و رویه‌های مبهمی مانند آزمون دشوار (اوردیل) یا انجام دوئل‌های مرگ‌آور را شامل می‌شد.^۲ با این حال، قضات حرفه‌ای نیز وجود داشتند که بر پایه قانون و آداب و رسوم رومی آموزش دیده بودند (Glenn, 2000, p.208). برای مثال، با پایان قرون وسطا در انگلستان قضات حرفه‌ای مستقلی که دانش حقوقی واقعی داشتند به

1. Judex.

۲. انجام چنین آزمون‌هایی برای اثبات بی‌گناهی متهم تنها به اروپاییان محدود نمی‌شود. پیش از آنها و در ایران باستان «ور» به زبان پهلوی یا «ورنگه» به زبان اوستایی، آزمایش‌هایی بودند که برای اثبات حقانیت متهم به اجرا درمی‌آمد. گذر سیلوش از آتش و ریختن روی گداخته بر سینه آدریاد مهرسپندان از جمله این آزمون‌هایی است که در ایران شهرت عام دارد. (م).

مسند قضاوت منصوب شدند. این «افراد حقوق‌دان و شایسته» به تدریج کاملاً از عرصه سیاست دور نگه داشته شدند و به سرعت شهرتی عام به دست آوردند (Rivlin, 2004). در این دوران، همه قضات از جمله قضات حرفه‌ای و دانش‌آموخته، به داشتن هفت خصیصه اخلاقی «حکمت، تواضع، ترس از خدا، بی‌زاری جستن از پول، عشق به حقیقت، حسن خلق و حسن سابقه» نیازمند بودند (Szathmáry, 2004, pp.416-420).

در دوران مدرن تاریخ اروپای غربی، تخصص‌گرایی و استقلال نظام قضایی در کانون توجه قرار گرفت. این مسئله تا حدودی بر پایه مفهوم «تفکیک قواء» متسکیو قرار داشت که استقلال قدرت قضایی از قدرت مقننه و اجرایی را مورد اشاره قرار می‌داد. سیستم قضایی به صورت کامل از خدا (کلیسا)، پادشاه و تمامی قدرت‌های بیرونی تفکیک شده بود. تصویر قضایی جدیدی ظهور و بروز یافت که بر اساس آن قاضی فردی حرفه‌ای، آموزش‌دیده و توانمند در حل و فصل قواعد متضاد دانسته می‌شد و بر صلاحیت حرفه‌ای قضات تمرکز شد. اگرچه در کشورهایمانند آلمان، فرانسه، اسپانیا و استرالیا همچنان قدرت پادشاه و امپراتور پایا و اثرگذار بود اما ارزش‌های قضایی متفاوتی از جمله، آموزش قوی و تجربه حرفه‌ای، ثبات اخلاقی و آگاهی بر موضوعات مشخص، اهمیت بیشتری از صرف قدرت پیدا کردند. در پایان سده نوزدهم میلادی، قضات تنها بر پایه توانایی‌ها و دانش حقوقی‌شان انتخاب می‌شدند. تخصص‌گرایی و استقلال قضایی تنها در دوران جنگ‌ها و بحران‌ها با چالش روبه‌رو می‌شد. برای مثال، در رژیم نازیستی آلمان، قضات از به چالش کشیدن اقتدار دولت واهمه داشتند. آنها به دنبال اجرای عدالت در عرصه عمل نبودند و ارجاع به قوانین صرفاً حالت صوری داشت (Platt, 2017).^۲

برای یک زمان طولانی در تاریخ مجارستان نیز همانند دیگر نقاط اروپا، حرفه قضایی امتیاز انحصاری اعیان و بزرگان محسوب می‌شد و احترام بسیار زیادی برای قضات قائل بودند. با این حال، بعد از جنگ دوم جهانی جایگاه قضات افول کرد و افرادی از طبقات اجتماعی کم‌سواد و کارگران-دهقانان، پست‌های قضایی را در اختیار گرفتند. قضات به عنوان طفیلی‌هایی شناخته می‌شدند که تنها وظیفه دفتری به آنها محول شده بود. به

1. Based on M.J.C. Vile's Chapter 4 in *Constitutionalism and the Separation of Powers* (2nd ed.), (Indianapolis, Liberty Fund, 1998).

2. Available at: <https://apursuitofjustice.com>.

دیگر سخن، قضات تنها ایده‌ها و تفکرات سیاستمداران را تقریر می‌کردند. فضیلت‌هایی چون استقلال قضایی و نوآوری مورد حمایت قرار نمی‌گرفت. از منظر حکومت‌های کمونیستی، قضاتی که دیدگاه سیاسی همسو داشتند و از نظر سیاسی موثق و قابل اعتماد بودند، پذیرش و محبوبیت بیشتری داشتند. با این حال، خوشبختانه بعد از تغییر رژیم کمونیستی در ۱۹۸۹، سیستم قضایی مجارستان مستقل شد و حرفه قضایی قدرت و پرستیژ سابق را بازیافت. دادگاه‌ها وظایف اجرای قانون و تفسیر پیچیده قانونی را به دست آوردند. کنشگری قضات و اعتماد به نفس سیاسی و اجتماعی آنها به صورت چشم‌گیری افزایش یافت و روشنفکران واقعی که قادر بودند میان منافع سیاسی گوناگون، نیازهای اجتماعی و مفاهیم حقوقی مصالحه ایجاد کنند تمایل خود را برای تصدی حرفه حقوقی ابراز کردند. در حال حاضر تعداد بسیار زیادی از حقوقدانان با استعداد و متعهد در مجارستان و اروپا به مسند قضاوت برگزیده شده‌اند و اقدامات جدی در دادگاه‌ها اتخاذ شده است تا سیستم قضایی به شکل بهینه‌ای انجام وظیفه کند (Szendi, 2012).

۲-۱. فضیلت‌های قضایی آرمانی در فرهنگ‌های حقوقی متفاوت کنونی

تفاوت‌هایی میان تصویر قضات در فرهنگ‌های حقوقی غربی و دیگر نقاط جهان قابل مشاهده است. کشورهایی که مستعد بحران‌های امنیتی هستند (مانند فرهنگ‌های آفریقایی و کشورهای خاورمیانه) در مقایسه با سیستم‌های حقوقی مدرن «مدنی» و «کامن‌لا» توسعه و پیشرفت کمتری دارند. آنها مفاهیم سنتی قوانین را حفظ کرده و تمایز بین حقوق و مذهب را رد می‌کنند. در بسیاری از فرهنگ‌های سنتی، قاضی همچنان به عنوان نماینده خداوند دانسته می‌شود.

در خاورمیانه که تحت سیطره قانون شرع اسلام قرار دارد قاضی،^۱ احکام قضایی را منطبق بر شریعت اسلامی صادر می‌کند. در این سنت حقوقی، قضات از میان مسلمانان بالغ عاقل آزاد و علمای متبحر و آموزش‌دیده انتخاب می‌شوند. عملکرد آنها باید کاملاً منطبق بر شریعت باشد و نمی‌توانند به تفسیر شخصی خود متوسل شوند (The Khilafah, 2017). هر قاضی منبع عدالت مطلق الهی است؛ بنابراین درخواست تجدیدنظر بر علیه قضاوت‌های آنها امکان‌پذیر نیست (LookLex Encyclopedia, 2017). حتی اگر شریعت

1. Quadi.

تصدی هر دو جنسیت مؤنث و مذکر را در پست قضاوت مجاز دانسته باشد اما در تاریخ اسلام عملاً برای تصدی زنان در این سمت ممنوعیت‌هایی وجود داشته است و تنها اخیراً زنانی به عنوان قاضی برگزیده شده‌اند (JNi, 2017).^۱ با این وجود، بسیاری از علمای مسلمان هنوز بر این باورند که زنان برای اتخاذ تصمیم‌گیری‌های حقوقی بیش از حد احساسی هستند و قادر نیستند موقعیت‌های پیچیده را حل و فصل کنند (Prusher, 2017).^۲

در فرهنگ‌های آفریقایی، دستگاه قضا به صورت متمرکز سازمان‌دهی نشده است و سیستم‌های حقوقی به وسیله قوانین عرفی نانوشته، سنت‌ها و عملکردهایی که عمدتاً از طریق آموزش‌های شفایی بزرگان قبیله‌ای به دست آمده‌اند، هدایت می‌شوند (Yazzie, 1993, p.4). قبایل بر اعضای خود صلاحیت شخصی دارند و رهبر قبیله مسئولیت اجرای قانون و محکوم کردن قصور و اشتباهات را بر عهده دارد. رئیس قبیله به وسیله مردان قبیله انتخاب شده و به تعبیر دیگر، ریش سفید قبیله است و قدرت فیزیکی و مهارت‌های شکار قابل توجهی دارد. در هنگامی که رئیس جدید انتخاب می‌شود قدرت خدایان در او به ودیعه گذاشته می‌شود و به نام آنها تصمیماتش را اتخاذ می‌کند.

در بخش‌هایی از جهان، سنت‌های حقوقی «کولی‌ها»^۳ مشهود است. «کریس»^۴ (دادگاه) مسئولیت دادرسی را بر عهده دارد. استدلال‌ات از طریق یک فن خطابه ویژه‌ای مطرح می‌شود که به زبان فنی حقوقی شباهت دارد (Weyrauch, 2001, pp.42-46). تعداد محدودی از قضات که هیچ صلاحیت‌های رسمی ندارند بر اجتماعات کریس (دادگاه) ریاست می‌کنند. این قضات با درخواست طرفین دعوا در دادگاه حاضر می‌شوند. برخی از آنها بر دادخواست‌های ارائه شده توسط اصحاب دعوا و برخی دیگر بر دفاعیات طرفین تمرکز می‌کنند. قضات مزبور رأی خود را تحمیل نمی‌کنند، بلکه دستیابی به اجماع با همه بزرگ‌سالان حاضر در اجتماع کریس که قادر به صحبت کردن و شنیدن هستند، ملاک اساسی است (Weyrauch, 2001, pp.95-100).

در جوامع غربی مدرن، سنت‌های حقوقی «کامن‌لا» و «مدنی» (رومی-ژرمنی) قابل

1. Available at: <https://www.jewishpress.com>.

2. Available at: <https://www.csmonitor.com>.

3. Romani (gypsy).

4. Kris.

تمایز است. در کشورهای با سنت حقوقی «کامن‌لا» قضات از فعالان حقوقی انتخاب می‌شوند (The Big Interview, 2017) و «از ارکان اصلی کل سیستم حقوقی به شمار می‌آیند» (The Canadian Superior Courts Judges Association, 2017). قضات باید پیش از تصدی مسند قضاوت، سابقه وکالت داشته باشند و تجربه فعالیت به عنوان دادستان نیز به متقاضیان پست قضاوت مؤکداً توصیه می‌شود (Become a Judge, 2017).^۳ در این قبیل سیستم‌های حقوقی، قاضی عالی‌ترین شغل حقوقی محسوب می‌شود. برگزیده شدن در سمت قضاوت منوط به طی یک فرایند طولانی مدت است و متقاضی پست قضاوت باید به عنوان یک وکیل تجربه کسب کند و بر روی مهارت‌های وکالت و دفاع از پرونده تمرکز کرده و تخصص حقوقی خود را ارتقاء بخشد (Becoming a Judge, 2017).^۴ در سیستم حقوقی ترافیکی کشورهای کامن‌لا، قضات میانجی‌گرانی منفعل هستند که بر اساس دفاعیات وکلای دعوا تصمیم می‌گیرند (Hazard, Dondi, 2006, p.61). به دیگر سخن، در این سیستم حقوقی، از وکلا در نقش «جنگجو» و از قاضی به عنوان «امپراتور-میانجی‌گر» یاد می‌شود (Hutchinson, 2000, p.288). تصویر یک قاضی کامن‌لا در تلویزیون، فیلم‌ها و داستان‌ها به وفور یافت می‌شود. این تصویر ساختگی غالباً فردی دلسوز و شفیق را تداعی می‌بخشد. در پاره‌ای از اوقات قاضی تا حد یک قهرمان و یک شهید تقدیس می‌شود و بعضاً قاضی را به طرز ناخوشایندی بی‌عاطفه و بی‌احساس معرفی می‌کنند. با این حال، خصوصیت‌های ذاتی شخص قاضی است که به حل و فصل «اخلاقی» و «عادلانه» موضوعات منتج می‌گردد، چه این تأثیر از طریق یک سیستم قانونی اعمال شود و یا از رهگذر ابزارهای فراقانونی امکان‌پذیر شده باشد. در سنت‌های حقوقی انگلیسی-آمریکایی به جای ارائه یک تصویر مبتنی بر فعالیت جمعی و یک سیستم حقوقی هماهنگ، فرد قهرمان/نابغه در مرکز توجه قرار می‌گیرد (Chieh-Ying, 2009).

بر عکس سیستم‌های حقوقی کامن‌لا که قضات پیش از ورود به سمت قضایی سابقه فعالیت در عرصه‌های متفاوت حقوقی را دارند، دانش‌آموختگان حقوق در سیستم‌های

1. Available at: <https://www.chambersstudent.co.uk>.

2. Available at: <https://www.cscjaacjcs.ca>.

3. Available at: <https://www.study.com>.

4. Available at: <https://www.chambersstudent.co.uk>.

حقوق مدنی اروپای قاره‌ای می‌توانند پس از گذراندن چندین سال در قوه قضاییه به عنوان کارآموز مستقیماً مقام قضاوت را کسب کنند. در رویه (بازرسی) سیستم‌های حقوق مدنی، قضات به دلایلی مانند هدایت فرایند دادرسی (Syam, 2017)،^۱ تضمین حقوق طرفین، فراهم ساختن شواهد لازم و اعتباریابی آنها و همچنین تمدید زمان دادرسی به منظور دستیابی و صدور یک حکم متن، نقش فعالانه‌ای را بر عهده دارند (Bodor & others, 2017). قضات (حقوق قاره‌ای) در دادرسی‌های مدنی نقش فعالی را در مدیریت پرونده ایفا کرده‌اند تا تصمیم منصفانه‌ای را در بازه زمانی معقولی فراهم آورند (Köblös, 2005, pp.6-31).

علی‌رغم اختلافات مزبور، سیستم‌های حقوقی کامن‌لا و مدنی (قاره‌ای)، تأثیر متقابلی بر یکدیگر داشته‌اند (Cavinet, 2003, pp.936-944) که این تأثیرات متقابل و استانداردهای مشترک میان این دو سیستم حقوقی که مورد اذعان دیوان دادگستری اروپا و دادگاه اروپایی حقوق بشر نیز قرار گرفته، سبب بروز همگرایی در این فرهنگ‌های قضایی شده است.

۱-۳. نقش‌ها و وظایف قضات در اروپا

با توسعه اتحادیه اروپا و بین‌المللی شدن قوانین، قضات اروپایی با چالش‌های جدیدی روبه‌رو شده‌اند. در شرایط کنونی تسلط عمیق و گسترده بر حقوق داخلی (ملی) کفایت نمی‌کند. همچنین، قضات باید با حقوق بین‌الملل و اتحادیه اروپا، از جمله کارکرد دادگاه اروپایی دادگستری و دادگاه اروپایی حقوق بشر آشنا باشند تا اختلافات موجود میان دستورات حقوقی در سطوح چندگانه (ملی، فراملی و بین‌المللی) را حل و فصل کنند. سیستم قضایی نیز می‌باید به کاهش آلام شهروندان جامعه مبادرت ورزد. حفظ و ارتقاء حاکمیت قانون در جهانی که سیستم‌های حقوقی در هم تنیده‌ای دارد با چالش‌های گسترده‌ای روبه‌رو است و این چالش‌ها در زمانه ما که آبستن بحران‌های (سیاسی، مهاجرتی، اقتصادی، اجتماعی و ...) است بیشتر نمود دارد. برخی از اوقات قضات می‌بایست برای مشکلات اقتصادی، اجتماعی و بشردوستانه که قواعد حقوقی موجود فاقد

1. Available at: <https://www.onlinelaw.wustl.edu/blog>.

2. European Court of Justice.

3. European Court of Human Rights.

توان پاسخ‌گویی به آنها هستند، راه‌حل‌های منصفانه و عادلانه بیابند.^۱ در هنگامه آشفتگی‌ها و بحران‌ها قضاوت باید فارغ از این بی‌نظمی‌ها حکم صادر کند و از ارزش‌های اجتماعی پاسداری کرده و تأیید نمایند و آنگاه که لازم دانستند این ارزش‌ها را بازتعریف کنند.

قضاوت به این علت که نمایانگر استانداردهای اخلاقی و معنوی والا در جامعه هستند و شهروندان جامعه را راهبری می‌کنند نقشی آموزشی در جامعه ایفا می‌کنند. همچنین، سیستم قضایی نیز باید به صورت فعالانه‌ای در گسترش دانش حقوق مشارکت کند و نه تنها به قضاوت اروپایی به عنوان یک الگو بلکه به دیگر سیستم‌های حقوقی جهان نیز خدماتی ارائه دهد.

۴-۱. انتظاراتی که از قضاوت اروپایی وجود دارد

در نتیجه جهانی شدن و بین‌المللی شدن فزاینده قوانین، از قضاوت ملی انتظار می‌رود که متناسب با شرایط یک اروپای غیرمتمرکز حکم صادر کنند. در این محیط اجتماعی و حقوقی پیچیده نوظهور، قضاوت می‌باید مهارت‌های نوینی را در خود تقویت سازند تا بتوانند چالش‌های پیچیده‌ای را که اروپا با آنها مواجه است حل و فصل کنند و رفاه و آرامش را در این قاره حفظ کنند. از قضاوت اروپایی انتظار می‌رود تا به چندین زبان خارجی تسلط یابند و در یک دیالوگ و گفتگوی قضایی بین‌المللی مشارکت کرده و رویه‌های درست را با دیگران به اشتراک بگذارند. آنها باید دانش دقیقی از قوانین بین‌المللی و فراملی را فرا گرفته و مخصوصاً از قوانین اتحادیه اروپا و کنوانسیون اروپایی حقوق بشر مطلع باشند. آنها باید روح جهان‌وطن‌گرایی را تقویت کرده و حقوق بشر بین‌المللی را تضمین کنند. اسناد اروپایی، فضیلت‌های قضایی را برای قضاوت بین‌المللی و کشورهای عضو اتحادیه تعریف می‌کند.^۳

۱. به عنوان مثال می‌توان به تسریع یافتن دادرسی‌های کیفری بر علیه مهاجران غیر قانونی در طول بحران پناهندگان، یا ارائه دادخواست‌های گسترده پیرامون وام‌های ارز خارجی در مجارستان اشاره کرد.

۲. یک نمونه از نقش سیستم قضایی در گسترش دانش عمومی در مجارستان «دادگاه‌های علنی» است که قضاوت ارشد، قضاوت کم سابقه و کارآموزان قضایی، سخنرانی‌هایی را ارائه می‌کنند و شرکت در دادگاه‌های صوری را - که به قصد آموزش به دانشجویان و شبیه‌سازی دادرسی واقعی برگزار می‌شود - به دانشجویان پیشنهاد می‌دهند.

۳. از جمله مصادیق آن می‌توان به فصل ششم منشور حقوق اساسی اتحادیه اروپا، ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و

سیاست داخلی و حقوق ملی کشورها نیز انتظاراتی مشخص از قضات را مطرح می‌سازد. برخی از این انتظارات به وسیله قانون تشریح شده است،^۱ در حالی که برخی دیگر از آنها به وسیله سیاستمداران و در سخنرانی‌ها و درون رسانه‌ها مفصل‌بندی شده است. دیدگاه مرسوم و میانه‌روتر اعلام می‌کنند که قضات موظفند در اسرع وقت، دقیق، منصفانه و به حرفه‌ای‌ترین شکل ممکن عدالت را اجرا کنند و این الزامات چهارگانه مزبور از اهمیت یکسانی برخوردارند.^۲ نظرات رادیکال‌تری نیز به وسیله سیاستمداران مطرح شده است. بر این اساس، برخی از آنها خواهان اعمال محکومیت و مجازات شدید بر پرونده‌های غالباً کیفری هستند. در برخی اوقات، زمانی که آرای قضایی انتظارات سیاستمداران را برآورده نمی‌سازند، آنها از سیستم قضایی به شدت انتقاد می‌کنند. سیاستمداران ناراضی غالباً احکام قضایی را ظالمانه دانسته و معتقدند که این احکام «انتظارات جامعه را برآورده نمی‌سازد»^۳ یا نسبت به خواست و انتظار قوه قانونگذاری بی‌توجه و بی‌تفاوتند. این قبیل انتقادات معمولاً به وسیله مقامات ارشد قضایی که معتقدند دادگاه‌ها نباید با این نوع نظرات بیرونی تحت فشار قرار گیرند و قاضی تنها فردی است که از تمامی جنبه‌های حقوقی و عینی یک پرونده آگاه است، رد می‌شود.^۴

جامعه انتظار دارد که قضات تصمیماتشان را به صورت بی‌طرفانه و منصفانه و بر پایه حاکمیت قانون اتخاذ کنند (Gibson, 2011, p.285). ارتباط شفاف، مستقیم و استدلال منطقی از ملزومات قضاوت مورد قبول افکار عمومی است (Goldman, 1982, pp.112-124). شرکت‌ها وجود یک محیط حقوقی قابل پیش‌بینی و پایا را که مبتنی بر تصمیمات

قطعه‌نامه دادگاه حقوق بشر اروپا در زمینه اخلاق قضایی اشاره کرد.

۱. قانون «No. CLXII» مصوب ۲۰۱۱ پیرامون شأن قضایی و نحوه پرداخت حقوق قضات در مجارستان، متقاضیان تصدی بست قضایی را موظف به گذراندن یک آزمون شایستگی حرفه‌ای می‌کند که انجام آزمایش‌های عمومی، روان‌شناختی و عصبی-روانی را دربر می‌گیرد. این قانون ۲۰ مهارت و شایستگی را (از قبیل توانایی تصمیم‌گیری، استقلال، درست‌کاری و عینی بودن و ...) مورد اشاره قرار داده است که می‌باید برای انتخاب و ارزیابی قضات مورد توجه قرار گیرد.
2. Speech of L. Trócsányi, Minister of Justice, on 15 July 2014 on the National Day of Judiciary.
3. See: <https://jogaszvilag.hu/rovatok/napi/kemenyen-kritizalja-a-birosagokat-a-fidesz>, (27 April 2017).
4. See: <https://jogaszvilag.hu/rovatok/napi/hando-is-szot-emelt-a-biroi-fuggetlensegert>, (27 April 2017).

همگون دادگاه باشد و مانع توسعه و رشد اقتصادی نباشد، طلب می‌کنند.^۱ این قبیل انتظارات غالباً با وظایف مطرح شده در قانون اساسی و دیگر هنجارهای حقوقی منطبق است.^۲

علاوه بر این، قضات از خود انتظار دارند که ضمن پاسخ‌گویی به الزامات فوق، استانداردهای اخلاقی و ویژگی‌های شخصیتی خود را نیز برآورده سازند. قضات فداکار دائماً تلاش می‌کنند تا مهارت‌ها و دانش خود را به منظور انجام بهینه وظایف و رسیدن به یک رضایت باطنی از خویش افزایش دهند.

۱-۵. دیدگاه‌های علم حقوق در مورد فضایل قضایی

علم حقوق، دیدگاه‌های متفاوت پیرامون مهارت‌های قضایی مرجح قضات را مورد توجه و بررسی قرار داده است. مرور و بازبینی این نظرات حقوقی اجتناب‌ناپذیر است؛ زیرا قضات از علم حقوق تأثیر می‌پذیرند و تئوری‌های حقوقی در بهبود عملکرد قضایی نقش ایفا می‌کنند.

در علم حقوق، وجود تعارض میان قانونمندی و عدالت یکی از مباحث اساسی به شمار می‌آید. «نظریه حقوق طبیعی»^۳ بر این باور است که یک قاضی خوب باید برای تصمیم‌گیری اخلاقی استدلال‌ات حقوقی ارائه دهد و هنجارهای حقوقی می‌باید در تطابق با انتظارات اخلاقی جامعه تفسیر شوند (Jakab, 2007, pp.278-287). بر خلاف این دیدگاه، «اثبات‌گرایی حقوقی»^۴ قانونمندی را بر انصاف مقدم می‌داند و تنها تفسیر تحت‌اللفظی از قوانین را می‌پذیرد (Blutman, 2016, pp.94-104).

بر اساس مشرب حقوقی «مثال باوری»^۵، فضیلت‌های قضایی شامل ویژگی‌های اخلاقی و فکری است. راست‌گویی، مناعت طبع، شجاعت و محتاط بودن از جمله فضیلت‌های اخلاقی به شمار می‌آیند که انتظار می‌رود یک قاضی خوب دارا باشد.

1. See: <https://www.piecesprofit.hu/gazdasag/miert-nem-szaguld-a-szep-szamok-ellenere-a-magyar-gazdasag>, (9 May 2017).

2. See: <https://www.jogaszvilag.hu/rovatok/napi/fazekas-a-biroi-munkat-is-merni-kell>, (27 April 2017).

3. Natural law theory.

4. Legal positivism.

5. Exemplarism.

فضیلت‌های فکری مرتبط ویژگی‌هایی چون روشن‌اندیشی، پشتکار و استقامت در کار، استقلال فکری، فروتنی فکری و حکمت عملی را در برمی‌گیرد. فضیلت قضایی مهم دیگر تبعیت از قانون (یا پاک دستی قضایی) است. وجود یک تعادل مطلوب میان این مشخصه‌ها سبب پرورش یافتن قضاتی می‌شود که در عرصه‌ی عمل شایسته، قابل تحسین و کارزماتیک هستند (Amaya, 2013, pp.428-445).

«نظریه دوست مدنی»^۱ به این مسئله اشاره می‌کند که یک قاضی خوب باید نگرش خیرخواهانه‌ای نسبت به شهروندان در معرض خطر داشته باشد. خیرخواهی متقابل، اعتماد و ابراز نگرانی واقعی نسبت به همه افراد اجتماع لازم و ضروری است. قاضی باید خیر اعضای جامعه را به بهترین شکل ممکن دنبال کرده و برآورده سازد. در این مورد حتی شهروندانی که محکوم می‌شوند نیز باید حکم قاضی را مشروع دانسته و آن را بپذیرند (Domselaar, 2013).

«نظریه فضیلت‌های قضایی شش‌گانه»^۲ اعلام می‌کند که بینش قضایی، شجاعت، میانه‌روی، عدالت، بی‌طرفی و استقلال از جمله ویژگی‌هایی هستند که برای فهم کیفیت اخلاقی یک حکم قضایی غیر قابل انکار است. «بینش قضایی»^۳ همان موقعیت‌شناسی است و به حساسیت ادراکی به منظور فهم و پاسخ‌گویی مطلوب به جزئیات یک پرونده و همچنین درک آشکار موضوعاتی که قضات با آنها روبه‌رو می‌شوند اشاره دارد. «شجاعت قضایی»^۴ یک توانایی ذاتی و درونی است که قضات را قادر می‌سازد تا بر تهدیدها، ترس‌ها و فشارها غلبه کنند و علی‌رغم انتقادات، واکنش‌ها، عدم محبوبیت و منزوی شدن، وظیفه مقدس خود را انجام دهند. «میانه‌روی قضایی»^۵ توانایی خویش‌داری و کف نفس است که تمنیات، نیازها، تمایلات و احساسات شخصی را تأثیرناپذیر می‌سازد. «عدالت قضایی»^۶ به این مسئله اشاره می‌کند که یک قاضی مایل باشد از ارزش‌های اخلاقی که در قوانین و هنجارهای زیربنایی مطرح شده است پاسداری کند. «بی‌طرفی»^۷

1. Civic friendship theory.
2. The six-pack judicial virtues theory.
3. Judicial perception.
4. Judicial courage.
5. Judicial temperance.
6. Judicial justice.
7. Impartiality.

به این معنا است که قاضی در هنگام رسیدگی به یک پرونده خود را از تعلقات زندگی روزمره دور سازد. یک قاضی بی‌طرف ملاحظاتی را که در منافع، تعصب‌ها، احساسات و تعهدات ذهنی ریشه دارد تشخیص داده و نادیده می‌گیرد. با این حال، این بدان معنا نیست که قاضی، تجارب، تعهدات و نگرانی‌های شخصی را کنار گذارد یا ویژگی‌های شخصیتی خود را از دست دهد. «استقلال»^۱ با شجاعت قضایی پیوند دارد و تلویحاً به این مسئله اشاره دارد که یک قاضی تحت تأثیر فشارها و عوامل بیرونی قرار نگیرد. لزوم وجود این فضیلت به‌طور ویژه در پرونده‌هایی احساس می‌شود که افکار عمومی نسبت به آنها حساس‌اند یا منافع افراد ذی‌نفع در آنها دخیل است. فضیلت‌های قضایی مذکور متقابلاً یکدیگر را تقویت می‌کنند. اگر قاضی یکی از این فضایل را نداشته باشد دیگر فضیلت‌ها نیز در خطر قرار می‌گیرد (Domselaar, 2015, pp.24-46).

۱-۶. دیدگاه حقوق‌دانان در مورد ملزومات تبدیل شدن به یک قاضی خوب

بعد از مرور نظریه‌های حقوقی مرتبط با فضیلت‌های قضایی لازم است که دیدگاه خود قضات را در مورد فضیلت‌های ضروری قاضی خوب مورد بررسی قرار دهیم. به منظور دستیابی به این هدف، از متقاضیان تصدی منصب قضا، قضات کارآموز و قضات با تجربه نظرسنجی‌هایی صورت گرفت.

در مجارستان، دانش‌آموختگان دانشکده حقوق که خواهان کارآموزی قضایی هستند در یک امتحان ورودی که به صورت رقابتی برگزار می‌شود شرکت می‌کنند. در این امتحان، از داوطلب خواسته می‌شود که مقاله‌ای در مورد موضوع مشخصی بنویسد. در سال ۲۰۱۶ یکی از موضوعات از این قرار بود که «ویژگی یک قاضی خوب چیست؟». بسیاری از شرکت‌کنندگان در آزمون، این موضوع را انتخاب کرده بودند و چیزی حدود ۱۳۰ صفحه مطلب در مورد آن نوشته شده بود. اگرچه این افراد سابقه کاری در سیستم قضایی را نداشتند اما دیدگاه‌های قابل توجهی در مورد فضیلت‌های قضایی ارائه داده بودند. آنها غالباً بر ارزش‌های مشابهی تأکید کردند که ما در بخش‌های پیشین (بازبینی ادبیات علم حقوق و بررسی فضیلت قضایی در بستر تاریخی) به آنها اشاره کردیم. پر تکرارترین و متداوم‌ترین گزینه‌ای که شرکت‌کنندگان به عنوان فضیلت مهم به آن اشاره کرده بودند

1. Independency.

«جانب‌دار نبودن»^۱ قاضی بود و پس از آن فضیلت‌هایی چون «استقلال»^۲ و «هم‌دلی»^۳ مطرح شده بود. از جمله دیگر مهارت‌های مورد تأکید آنها می‌توان به «واقع‌نگری»^۴، «داشتن تخصص در زمینه دانش حقوقی»^۵، «محترمانه رفتار کردن»^۶، «توانایی برقراری ارتباط در محیط کار»^۷ و «دقت نظر»^۸ نیز اشاره کرد.^۹

در بخش دیگری از تحقیق، ما از قضات کارآموز درخواست کردیم تا پنج مشخصه مورد نیاز یک قاضی خوب را اعلام کنند و آنها مجموعاً بر ۳۰ ارزش متفاوت تأکید کردند که غالباً مشابه همان فضیلت‌هایی بود که مورد تأکید داوطلبان منصب قضاوت نیز قرار گرفته بود. با این حال، از نظر قضات کارآموز، سه فضیلت «همدلی»، «واقع‌بینی» و «دقت نظر» اهمیت اساسی داشت و پس از آن، ویژگی‌هایی چون «آمادگی کافی برای تصدی منصب قضا» و «اعتماد به نفس» مورد تأکید قرار گرفته بود.^{۱۰}

در حالی که قضات کارآموز به صورت تدریجی خود را با حرفه قضاوت تطابق داده و راه و روش خود را می‌یابند، با این حال، نتایج نظرسنجی نشان می‌دهد که ارزش‌های بنیادین تغییر نمی‌کند. نظرسنجی‌های جداگانه از قضات باتجربه و قضات دادگاه عالی مجارستان پیرامون ویژگی‌های «قاضی خوب» نیز مؤید نکته مزبور بوده است.

1. Unbiased.
2. Independent.
3. Emphatic.
4. Objective.
5. Having "sound professional knowledge".
6. Honourable.
7. Vocational, good communicator.
8. Precise.

۹. ما تمامی داده‌ها را جمع‌آوری کرده و یک مقیاس اسمی از مهارت‌ها و ویژگی‌ها به وجود آوردیم و بسامد آنها را مورد توجه قرار دادیم. ۱۴۱ مهارت حداقل یک بار، ۷۳ مهارت حداقل دو بار و ۱۴ مهارت بیش از ۱۰ مرتبه مورد اشاره قرار گرفت. همچنین، تحلیل برگه‌های نظرسنجی، دامنه ویژگی‌های متفاوت را نیز نشان داد. ویژگی «جانب‌دار نبودن» با ۳۳ مرتبه تکرار بیشترین فراوانی را به خود اختصاص داد و ویژگی‌های «استقلال» با ۲۴ مرتبه و «همدلی» با ۲۳ مورد در ردیف دوم و سوم قرار گرفتند.

۱۰. کارآموزان قضاوت در این نظرسنجی شرکت داشتند. ما برای تجزیه و تحلیل داده در این جامعه آماری کوچک‌تر (نسبت به قضات شاغل) از همان روش پیشین استفاده کردیم. نتایج حاصل مؤید این مطلب بود که ویژگی «همدلی» با هشت بار تکرار در کنار «واقع‌گرا بودن» در ردیف اول از نظر اهمیت قرار گرفت. پس از آن، «دقت نظر» با هفت بار تکرار در مرتبه دوم و ویژگی‌های «داشتن آمادگی کافی برای تصدی منصب قضا» و «اعتماد به نفس» با شش بار تکرار در ردیف سوم از نظر اهمیت قرار گرفتند.

مصاحبه‌هایی با قضات برجسته که رسیدگی پرونده‌های جزایی و مدنی مرتبط با رسانه و فرهنگ را بر عهده داشتند نیز صورت گرفت و آنها به اتفاق اعلام کردند که اساسی‌ترین فضیلت قضایی که قضات به آن نیاز دارند «دانش حقوقی گسترده و عمیق»^۱ در آیین دادرسی و یا قوانین ماهوی است. علاوه بر آن، «داشتن مهارت‌های فردی»^۲ نیز توسط مصاحبه‌شوندگان به عنوان یک فضیلت غیر قابل انکار معرفی گردید. غالب آنها تأکید کردند که قضات باید «سخت‌کوش و مقاوم»^۳ باشند و همچنین باید دارای ویژگی‌هایی چون «هم‌دلی»^۴، «صبر»^۵، «تساهل»^۶، «بی‌طرفی»^۷، «درستکاری»^۸ و «قاطعیت»^۹ باشند. برخی نیز اعلام کردند که یک قاضی خوب «باید با صبر و طمأنینه در پی کشف حقیقت برآید» (Sándor, 2006, p.146).

۲. نتیجه‌گیری - فضیلت‌های قضایی یک قاضی خوب و چگونگی ارتقاء

این فضیلت‌ها

با استعانت به بازمینی دیدگاه‌های تاریخی، جغرافیایی و علمی و همچنین تحقیقات تجربی که از دیدگاه قضات صورت گرفت می‌توانیم یافته‌های تحقیق حاضر را به صورت خلاصه بیان کنیم. ما بر این باور هستیم که اخلاق به معنای خوب بودن است و رعایت اصول اخلاقی است که سبب مطرح شدن قضات شایسته می‌شود. اصول اخلاقی همیشه ثابت نیستند، بلکه ماهیتی مکان‌مند و زمان‌مند دارند. همچنین، معنای آنها متغیر است و ذاتی و جوهرگرایانه نیستند. اخلاقیات قضایی، اصولی بنیادین هستند که سبب می‌شوند قاضی وظایف خود را به درستی انجام دهد. بزرگ‌ترین دارایی یک سیستم قضایی، اعتماد مردم به آن سیستم است. نمی‌توان به مردم حکم کرد که دستگاه قضایی را مقبول و مشروع بدانند و به آن اعتماد کنید، بلکه اعتماد مردم را باید جلب کرد و دستیابی به این هدف

1. In-depth and wide-scaled professional knowledge.
2. Personal skills.
3. Diligent and persistent.
4. Empathy.
5. Patience.
6. Tolerance.
7. Impartiality.
8. Integrity.
9. Decisiveness.

تنها از طریق ارتقاء اخلاقیات فردی و اجتماعی حاصل می‌شود (Lahoti, 2005). بنابراین، در بادی امر، فضیلت‌های قضایی باید شناسایی گردند و سپس ارتقاء یافته و عملیاتی شوند.

۲-۱. شناسایی فضیلت‌های قضایی اصلی

با عنایت به دانش حاصل از منابع بررسی شده و بر پایه تحقیقات، ترجیحات و نظرات شخصی‌مان تلاش می‌کنیم فضیلت‌های قضایی را طبقه‌بندی کرده و بر اساس اهمیت اولویت‌بندی کنیم.

ما بر این باوریم که هیچ فضیلت قضایی وجود ندارد که قابل بهبود و ارتقاء بخشیدن نباشد. برخی از ویژگی‌ها را می‌توان آموخت و برخی دیگر را می‌توان اصلاح کرد. به این دلیل، ما فضیلت‌های قضایی را در دو دسته «دانش‌ها و مهارت‌های قابل آموختن» و «مهارت‌های قابل بهبود و ارتقاء» طبقه‌بندی کرده‌ایم. همچنین، ما «ارزش‌های» و «الایی» را شناسایی کرده‌ایم که نمود آن را می‌توان در قضاتی دید که فضیلت‌های قضایی مشخصی را دارا هستند و منطبق بر این فضایل عمل می‌کنند.

۲-۱-۱. دانش‌ها و مهارت‌هایی که می‌توان آموخت

در این قسمت، توانایی‌هایی را مورد اشاره قرار می‌دهیم که برای دستیابی به آرمانی‌ترین شکل یک قاضی شایسته لاجرم می‌باید آموخته شوند. این توانایی‌ها شامل مواردی چون دانش اجتماعی و حقوقی، مهارت‌های ارتباط شفاهی و کتبی، دقت، مهارت‌های مدیریت زمان و سازگاری نسبت به حجم زیاد کار می‌شود.

۲-۱-۱-۱. دانش‌های اجتماعی و حقوقی

دانش حقوقی عمیق و همه‌جانبه برای تبدیل شدن به یک قاضی خوب ضروری می‌نماید. تأکید ما بر دانش به این خاطر است که قضات برجسته نیز داشتن دانش تخصصی را اساسی‌ترین فضیلت قضایی اعلام کرده بودند. علاوه بر این، می‌توان پذیرفت که یک قاضی باید از برج عاج (بررسی انتزاعی مسائل) پایین آید و نسبت به مسائل و دغدغه‌های روزمره جامعه آگاهی داشته باشد. درک پدیده‌ها و مفاهیم اجتماعی مانند تبعیض و کلاهبرداری انکارناپذیر است.

۲-۱-۱-۲. مهارت‌های ارتباط شفاهی و کتبی

داشتن مهارت‌های ارتباطی مطلوب، چه با ارباب رجوع‌ها و چه با همکاران، اهمیت اساسی دارد. ارتباط قضایی با ارباب رجوع‌ها باید ساده و منطقی باشد. قضات باید چه به صورت شفاهی و چه به صورت نوشتاری، شفاف، دقیق و به صورت صحیحی ابراز نظر کنند. مهارت‌های ارتباط مطلوب، شامل توانایی گوش کردن نیز می‌شود. تعامل مناسب با همکاران، جریان اطلاعات درون سیستم قضایی را افزایش داده و گفتگوی قضایی را تسهیل می‌کند که به تعبیر دیگر، اشتراک تجربه‌های موفق میان قضات را سبب می‌گردد. در تحقیق حاضر و هنگام بررسی انتظارات موجود از قضات اروپایی، نشان دادیم که دامنه شمول مهارت‌های ارتباطی توسعه‌یافته و توانایی صحبت به زبان‌های غیر از زبان مادری (فهم زبان‌های دیگر) را نیز شامل می‌شود.

۲-۱-۱-۳. دقت

مهارت «دقت» به این معنا است که یک قاضی خوب باید جزئی‌نگر، هوشیار و محتاط باشد و اصطلاحات حقوقی را به صورت معقول و منطقی به کار گیرد و به صورت شفاف، صریح و عمیق استدلال کند. یک قاضی خوب واقعیات یک پرونده را به صورت دقیقی مدنظر قرار داده و برای جلسه تبادل نظر، استماع و دادرسی آماده می‌شود. شرکت‌کنندگان در آزمون قضاوت و قضات کارآموز نیز تصدیق کرده بودند که دقت، یک مهارت ضروری به شمار می‌آید که قاضی باید دارا باشند.

۲-۱-۱-۴. مهارت‌های مدیریت زمان

مهارت‌های مدیریت زمان، چه در محل کار و چه در سبک زندگی، برای قضات اهمیت اساسی دارد. در طول زمان رسیدگی دادگاه (که پیوند نزدیکی با زمان معقول مورد نیاز برای خاتمه رسیدگی دارد) برنامه‌ریزی مناسب، مدیریت مؤثر پرونده و توانایی فراهم کردن شرایط ختم دادرسی (و اجبار اصحاب دعوا در این باب) مورد نیاز است. یک قاضی خوب باید رفتار اعضای دعوا را که عمداً در پی ایجاد تأخیر در رسیدگی هستند پیگیری کند و از بروز آنها ممانعت به عمل آورد. همچنین، مهارت‌های مدیریت زمان دربرگیرنده توانایی تعیین اولویت‌ها در میان وظایف گوناگون نیز می‌باشد. قضات خوب قادرند «از موقعیت‌های دشوار به صورت موفقیت‌آمیزی رهایی یابند» و مشکلات بسیاری را حل و

فصل کنند. تعادل میان محیط خانواده و محیط کار و داشتن یک زندگی شخصی هماهنگ، به عملکرد بهتر سیستم قضایی کمک می‌کند.

۲-۱-۱-۵. سازگاری با حجم کاری

سازگاری با حجم کاری (استقامت)، با مهارت مدیریت زمان ارتباط نزدیکی دارد؛ زیرا قضات ملزم هستند که تعداد زیادی از پرونده‌ها را در یک سطح بسیار حرفه‌ای رسیدگی کنند. مدیریت یک پرونده پر حجم هم‌زمان به مهارت‌های چندگانه‌ای نیاز دارد. به منظور برآورده کردن این انتظارات، یک قاضی باید سلامت ذهنی و فیزیکی مناسبی داشته باشد.

۲-۱-۲. مهارت‌هایی که باید ارتقا یابد

برخی از مهارت‌ها و ویژگی‌های قضایی عمدتاً ذاتی هستند. با این حال، می‌توان آنها را بهبود و ارتقاء بخشید. این ویژگی‌ها شامل کاریزما، استقامت اخلاقی، مهارت‌های حل المسائلی و استنباطی، قاطعیت، هم‌دلی، خلاقیت و شجاعت است.

۲-۱-۲-۱. کاریزما

قضات باید در خود یک شخصیت قوی و کاریزماتیک را تقویت کنند. این مشخصه شخصیتی به آنها این اعتبار را می‌دهد که بتوانند ارباب رجوع و عامه جامعه را نسبت به درستی تصمیمات قضایی خود متقاعد سازند. «کاریزما» به عنوان عنصر اساسی در هدایت و الهام‌بخشی به اصحاب دعوا به شمار می‌آید و قضاتی که از این مشخصه شخصیتی برخوردارند می‌توانند بدون تکیه بر زور و دیگر ابزارهای اقتدار و تنها با پشتوانه مشخصه‌های شخصیتی، به این هدف نائل آیند. قضات باید دارای فضیلت‌هایی چون شفقت، اعتماد به نفس و جذابیت باشند تا بتوانند تأثیر قوی بر دیگران داشته باشند. اهمیت «کاریزما» به عنوان یک فضیلت قضایی، در دوران باستان مطرح گردید و همچنان نیز ارزش خود را حفظ کرده است و در کشورهای کمتر توسعه یافته نیز همانند سیستم‌های مدرن حقوق «مدنی» و «کامن‌لا» مورد توجه قرار گرفته است.

۲-۲-۱-۲. ثبات اخلاقی

«ثبات اخلاقی» به این معنا است که قضات به مثابه مدافعان خستگی‌ناپذیر عدالت نباید از

نظر اخلاقی متزلزل باشند. آنها باید مبتنی بر اصول یک «راهنمای بی‌نقص»^۱ که توانایی تمایزگذاری میان خوب و بد را دارا است، رفتار کنند. همچنین، ثبات اخلاقی شامل توانایی خویشنداری و خوداتکایی است که از قضاوت در برابر افراط‌هایی که ممکن است در پاسخ به انگیزه‌ها، نیازها و امیال شخصی رخ دهد محافظت می‌کند. حفظ ثبات اخلاقی یکی از بزرگ‌ترین چالش‌های پیش روی قاضی است که همه روزه با نزاع‌های خشونت‌آمیز و مسائل اخلاقی پیچیده روبه‌رو است. تاریخ نشان می‌دهد که قضاوت معمولاً استانداردهای اخلاقی بالایی را به نمایش گذارده‌اند. در آن دوران که قضاوت فاقد فضیلت‌های اخلاقی بوده‌اند دوران تاریک بشریت رقم خورده است.

۳-۲-۱-۲. مهارت‌های حل المسائلی و استنباطی

قضاوت آرمانی، به صورت بسیار سیستمیک می‌اندیشند و در زمانی که مسائل حقوقی مطرح می‌شود کل سیستم حقوقی و قوه قضاییه را به همراه تمامی پیچیدگی‌هایی که دارد مطمح نظر قرار می‌دهند. آنها قادرند انواع متفاوت از اطلاعات را از منابع گوناگون مورد توجه قرار دهند، استدلال‌ات را ارزیابی کنند و جنبه‌های مرتبط یک پرونده را شناسایی کنند. مهارت‌های حل المسائلی به منظور حل مشکلات یا موقعیت‌های پیش‌بینی نشده در دادرسی قضایی ضروری می‌نماید. قضاوت، به منظور شناسایی نقاط ضعف و قوت راه حل‌ها، نتیجه‌گیری‌ها و رویکردهای متفاوتی که می‌توانند در یک پرونده اتخاذ کنند باید قوه منطقی و استدلال را به کار گیرند.

۴-۲-۱-۲. قاطعیت

«قاطعیت» به توانایی تصمیم‌گیری سریع و کارآمد اشاره دارد. تصمیم‌گیری شامل انتخاب میان راه‌حل‌های جایگزین به منظور حل یک مسئله است. تصمیم‌گیری قاطعانه در پرونده‌هایی که قاضی نسبت به چگونگی صدور رأی، حساسیت دارد، به سختی حاصل می‌شود. با این وجود، تصمیم بد بهتر از عدم تصمیم‌گیری است.

۵-۲-۱-۲. همدلی

«همدلی» توانایی فهم و سهیم شدن در احساسات دیگران است. حس همدلی برای

1. Principles of a right leader.

قضات اهمیت اساسی دارد. این فضیلت به آنها اجازه می‌دهد که بفهمند کنش‌هایشان در افراد دیگر چه احساس و واکنشی را برمی‌انگیزد و به آنها کمک می‌کند که دیدگاه‌های دیگران را در تصمیم‌گیری‌های خود مورد ملاحظه قرار دهند. تصویر الهه‌های عدالت دوران باستان و شخصیت‌های بلند مرتبه زنان در فرهنگ‌های باستانی نشان داده است که ویژگی‌های زنانه (مانند همدلی) از ارزش‌های قضایی مهم به شمار می‌آیند.

۲-۱-۲-۶. خلاقیت و شجاعت

قضات به منظور یافتن راه‌حل‌های قانونی جدید برای مسائلی که به درستی تنظیم نشده‌اند و نیز حل و فصل تعارضات احتمالی میان هنجارها، نیازمند «خلاقیت» هستند. «خلاقیت» شامل بررسی مسائل از یک دیدگاه بدیع و توسعه راه‌حل‌های مبتکرانه است. تفکر خلاق، زایش ایده‌های جدیدی را در پی دارد و ایده‌های ارتودوکسی و سترون را بازبینی کرده و صورتی نو می‌بخشد. تفکر خلاق، اشتیاق به پذیرش تغییر و داشتن یک رویکرد منعطف به ایده‌ها و احتمالات بدیع را به همراه دارد. از طرف دیگر، شجاعت به معنای پذیرفتن ریسک اعمال راه‌حل‌های خلاقانه‌ای است که سابقه پیشینی ندارند. از سوی دیگر، روحیه شجاعت، قضات را قادر می‌سازد تا با مشکلات، ترس‌ها و فشارهایی که به شیوه‌های متفاوت بر آنها اعمال می‌شود و از تحقق مطلوب نتیجه پرونده ممانعت می‌کند روبه‌رو شوند و بر آنها فائق آیند. بازبینی و مرور دیدگاه‌های علمی نشان داده است که شجاعت قضایی، قضات را قادر می‌سازد که به درستی از عهده وظایف محوله برآیند.

۲-۱-۳. ارزش‌ها

با ارتقاء، درونی‌سازی و عملیاتی کردن مهارت‌ها و فضیلت‌هایی که در بالا ذکر کردیم، قضات تجسم‌بخش ارزش‌های والایی چون استقلال و بی‌طرفی، قابل‌اعتماد بودن و حسن اخلاق خواهند بود.

۲-۱-۳-۱. استقلال و بی‌طرفی

ما پیش‌تر جنبه‌های چندگانه جانب‌دار نبودن را ذکر کردیم که این مسئله توجه ما را به ارزش والای استقلال و بی‌طرفی به مثابه یکی از مهم‌ترین فضیلت‌های قضایی جلب کرد. این دو اصل، از پیش‌شرط‌ها و ملزومات یک محاکمه عادلانه به شمار می‌آیند. «استقلال» به این معنا است که قاضی محق است و به دیگر سخن، موظف است که بر

اساس قانون و بدون ترس از انتقاد یا انتقام‌گیری دیگران حکم قضایی صادر کند، حتی اگر پرونده مورد نظر حساس و پیچیده باشد. یک قاضی در هنگام رسیدگی به یک پرونده نباید هرگز از فشارها و عناصر بیرونی تأثیر بپذیرد و در عین حال، باید درباره قوانین که شامل موضوعات حقوقی حل نشده است ابراز نظر کند. «بی‌طرفی» به این معنا است که تصمیمات قضایی باید بر پایه معیار عینی تعیین شود و جانب‌داری، تعصب یا انتفاع رساندن به فرد خاصی بدون ارائه دلایل قانع‌کننده، اساس تصمیم‌گیری قاضی نباشد.

۲-۱-۳-۲. قابل اعتماد بودن

ارزش والای «قابل اعتماد بودن» به این معنا است که قضات، چه در دادگاه و چه در محیط بیرون از آن، منطبق بر بالاترین استانداردهای رفتاری عمل کنند. قدرت قابل توجهی در اختیار قضات قرار گرفته است که ممکن است تأثیری شگرف بر زندگی حاضران در دادگاه داشته باشد. بنابراین، حفظ استانداردهای بالای اخلاقی به منظور اطمینان جامعه به سیستم قضایی ضرورت دارد.

۲-۱-۳-۳. اخلاقی بودن

همه مهارت‌ها، ارزش‌ها و فضیلت‌هایی که پیش‌تر ذکر کردیم به صورت کلی ذیل مقوله ارزش والای «اخلاقی بودن» قرار می‌گیرد. «اخلاقی بودن» یکی از مهم‌ترین اصولی است که قاضی باید بر اساس آن عمل کند. این ارزش، از هنجارها و استانداردهایی تشکیل می‌شود که بر قضات اثر می‌گذارد و موضوعاتی مانند چگونگی حفظ استقلال و بی‌طرفی، چگونگی اجتناب از بروز رفتارهای ناشایست، چگونگی استفاده و سوءاستفاده از قدرت قضایی را نیز پوشش می‌دهد. موارد مزبور، اصول بنیادین عمل اخلاقی به شمار می‌آیند و پیکره کلی قواعد حقوقی را پی‌ریزی می‌کنند.

۲-۲. چگونه فضیلت‌های قضایی را بهبود بخشیم؟

در پایان لازم می‌دانم به این مسئله بپردازم که چگونه می‌توان فضیلت‌های قضایی را آموخت و بهبود بخشید. آموزش در حین عمل، موضوع کلیدی برای درک ویژگی‌های اخلاقی است. ارتقاء شخصیت حرفه‌ای قاضی، فرایندی سخت و زمان‌بر است و به صورت بطئی گسترش یافته و نیازمند ممارست‌های مداوم است. در این فرایند، داوطلبان قضاوت به صورت چشم‌گیری به نهادها و عملکردهای فضیلت‌مدار وابسته هستند که از رهگذر

آنها فضیلت‌های قضایی آموخته و آموزش داده می‌شود.

تبدیل شدن به یک قاضی شایسته و با صلاحیت، از یک فرایند مداوم تزکیه نفس منتج می‌شود که مدت زمان زیادی پیش از این که یک فرد عملاً در کسوت قضاوت درآمد آغاز می‌شود. سوابق پیشینی مانند زندگی خانوادگی و اجتماعی، آموزش مقدماتی و تکمیلی و نحوه جامعه‌پذیری، به صورت مشهودی در ارتقاء فضیلت‌های قضایی اهمیت دارند. این پیش‌زمینه‌ها محملی را فراهم می‌آورند که اتخاذ یک موضع انتقادی نسبت به تبعیض‌ها و بی‌عدالتی‌های ذاتی موجود در جامعه را ممکن می‌سازند.

دانشکده حقوق، نهاد اساسی دیگری برای توسعه و آموزش فضیلت‌های قضایی است. دانشگاه‌ها باید در شکل‌گیری شخصیت دانشجویان نقش ایفا کنند. مطالعات حقوقی به شکل مطلوبی مشخصه‌های شخصیتی چون شجاعت، استقلال و بی‌طرفی را در دانشجویان تقویت می‌کنند. به تعبیر دیگر، مطالعات حقوقی دانشجویان را با مطالعات موردی و دانش روان‌شناختی روبه‌رو می‌سازند و به آنها کمک می‌کند که مبتنی بر اصول اخلاقی عمل کنند.

پر واضح است که قوه قضائیه، با آموزش و تعلیم ویژه‌ای که به قضات و کارآموزان قضایی ارائه می‌دهد نقشی محوری را در این زمینه بر عهده دارد. قوه قضائیه باید از عواملی که مانع توسعه و بهبود فضیلت‌های قضایی است مبرا باشد. معیار «راندمن» که بر اساس آن قضات مجبور می‌شوند زمان اندکی را به یک پرونده اختصاص دهند ممکن است به جای تقویت فضیلت‌های قضات سبب افزایش کاستی‌ها و معایب در آنها گردد.

قضات به جای این که با واقعیت‌ها (فاکت‌ها) روبه‌رو شوند و مشکلات بررسی حقوقی این واقعیت‌ها را برطرف سازند، صرفاً به بازبینی احکام پیش‌نویس مشغولند که این مسئله قدرت تصویرپردازی آنها را تضعیف می‌کند. جایگاه نخبگی، اعتماد و احترام بیش از حد گروهی از قضات، مانعی بر سر توسعه فضیلت‌های والای قضایی به شمار می‌آید. در ادامه می‌بایست اشاره کرد که توسعه فضیلت‌های قضایی، یک تلاش فردی است اما باید به وسیله محیط اجتماعی و حرفه‌ای توسعه و ارتقاء یابد. آموزش، دستورالعمل‌های نوشته شده (برای مثال کتابچه‌های راهنما) و کاهش فشار و حجم کاری، در دستیابی به این

هدف، مهم و ضروری است. انجمن‌های بین‌المللی مانند «شبکه آموزش قضایی اروپا»^۱ می‌توانند با توسعه برنامه آموزشی در باب ارزش‌های قضایی عام و ارائه آموزش در این زمینه و فراهم آوردن امکان تبادل برنامه‌ها با هدف ارتقاء صلاحیت‌های قضایی شرکت‌کنندگان، در ایجاد یک بستر مناسب از عدالت سهیم باشد.



1. European Judicial Training Network(EJTN).

فهرست منابع

A. Books and Articles

1. Amaya, A.; *Exemplarism and Judicial Virtue*, Law & Literature, 25, Issue 3, 2013.
2. Assmann, J.; *Religion and Cultural Memory: Ten Studies*, Stanford University Press, 2006.
3. Bablitz, L.; *Actors and Audience in the Roman Courtroom*, London/New York: Routledge, 2007.
4. Become a Judge: Education Requirements and Career Roadmap, 8 May 2017, (Available at: <https://study.com>).
5. Becoming a Judge, 8 May 2017, (Available at: <https://www.chambersstudent.co.uk>).
6. Blutman, L.; *Bírói jogalkalmazás és szöveghű értelmezés (Judicial Application of Law and Literal Interpretation)*, Jogesetek Magyarázata, Vol.4, 2016.
7. Bodor, T. & Csák, Zs. & Máziné, Szepesi E. & Somogyi, G. & Szokolai, G. & Varga, Z.; *Nagykommentár a büntetőeljárásról szóló 1998. évi XIX. Törvényhez, Commentary on the Criminal Procedure Code*, Complex Jogtár, 2014.
8. Cavinet, G.; *The Interrelationship Between Common Law and Civil Law*, Louisiana Law Review, Vol.63, No.4, 2003.
9. Chieh-Ying, Chong S.; *The Anthropomorphization of Law: Fictional Judges and Lawyers in Contemporary North American and European Settings*, University of Toronto, 2009.
10. Domselaar, S.I.; *A Neo-Aristotelian Notion of Reciprocity: About Civic Friendship and (the Troublesome Character of) Right Judicial Decisions*, in *Aristotle and the Philosophy of Law: Theory, Practice and Justice*, Dordrecht, Springer, 2013.
11. Domselaar, S.I.; *Moral Quality in Adjudication: On Judicial Virtues and Civic Friendship*, Netherlands Journal of Legal Philosophy, 1, 2015.
12. Gibson, J. L.; *Judging the Politics of Judging: Are Politicians in Robes Inevitably Illegitimate?*, in *What's Law Got to Do With It?: What Judges Do, Why They Do It, and What's at Stake*, Stanford University Press, 2011.

13. Goldman, S.; *Judicial Selection and the Qualities That Make a 'Good' Judge* in *The Annals of the American Academy of Political and Social Science*, Vol.462, The American Judiciary: Critical Issues, July 1982.
14. Hamilton, M.; *God vs. the Gavel*, Cambridge University Press, 2005.
15. Hazard, G.C. & Dondi, A.; *Responsibilities of Judges and Advocates in Civil and Common Law: Some Lingering Misconceptions Concerning Civil Lawsuits*, Faculty Scholarship, 2006.
16. Hutchinson, A.C.; *It's All in the Game, a Non-foundationalist Account of Law and Adjudication*, Duke University Press, 2000.
17. Jakab, A.; *What Makes a Good Lawyer? Was Magnaud Indeed Such a Good Judge?*, *Zeitschrift für öffentliches Recht*, Vol.2, 2007.
18. JNi.Media; *Ayelet Shaked Appoints First Female Qadi*, 26 April 2017, (Available at: <https://www.jewishpress.com>).
19. Köblös, A.; *Polgári eljárásjog itt és ott (Civil Procedure Here and There)*, Kontroll, 2005.
20. Lahoti, J.R.C.; *Canons of Judicial Ethics*, National Judicial Academy, Bhopal, India, 2005.
21. Law and Order, 18 April 2017, (Available at: https://reshafim.org.il/ad/egypt/law_and_order/index.html).
22. Modak-Truran, M.C.; *Corrective Justice and the Revival of Judicial Virtue*, *Yale Journal of Law & the Humanities*, 12, Issue 2, 2013.
23. Patrick, Glenn H.; *Legal Traditions of the World*, Oxford University Press, 2000.
24. Platt, S.; *The Role of the Judge in Our Society*, 26 April 2017, (Available at: <https://apursuitofjustice.com>).
25. Powell, A.; *The Greek World*, Psychology Press, 1995.
26. Prusher, I. R.; *New female judge transforms Islamic court*, 26 April 2017, (Available at: <https://www.csmonitor.com>).
27. Qadi; *LookLex Encyclopedia*, 25 April 2017.
28. Rivlin, G.; *Understanding the Law*, Oxford, 2004.
29. Sándor, Zs.; *Bírák könyve (The Book of Judges)*, HVG-Orac, 2006.
30. Stolleis, M.; *The Profile of the Judge in the European Tradition*, Trames, 2008.

31. Sumner, Maine H.; *Ancient Law*, John Murray Albemarle, London, 1861.
32. Syam, P.; *What is the Difference Between Common Law and Civil Law?*, 8 May 2017, (Available at: <https://onlinelaw.wustl.edu/blog>).
33. Szathmáry, B.; *Magyar Egyházjog*, Canon Law of Hungary, Századvég, 2004.
34. Szendi, A.; *A bírói szervezet és a bírói pálya a történelmi, társadalmi átalakulások folyamatában*, The judiciary and the judicial profession in the process of historical and social transformations, University of Pécs, 2012.
35. The Big Interview: Sir Anthony Hooper, 8 May 2017, (Available at: <https://www.chambersstudent.co.uk>).
36. The Canadian Superior Courts Judges Association, The Qualities Required of a Judge, 8 May 2017, (Available at: <https://www.cscjacjcs.ca>).
37. The Khilafah; *An Introduction to the Islamic Judiciary*, 30 April 2017, (Available at: <https://www.khilafah.com>).
38. Weyrauch, W.O.; *Gypsy Law - Romani Legal Traditions and Culture*, University of California Press, 2001.
39. Yazzie, R.; *Life Comes From It: Navajo Justice Concepts, in Legal Education Series, Alternatives in Dispute Resolution and Traditional Peacemaking*, Petaluma, Calif.: National Indian Justice Center, 1993.

B. Websites

40. <https://jogaszvilag.hu/rovatok/napi/fazekas-a-biroi-munkat-is-merni-kell>, (27 April 2017).
41. <https://jogaszvilag.hu/rovatok/napi/hando-is-szot-emelt-a-biroi-fuggetlensegert>, (27 April 2017).
42. <https://jogaszvilag.hu/rovatok/napi/kemenyen-kritizalja-a-birosagokat-a-fidesz>, (27 April 2017).
43. <https://piacesprofit.hu/gazdasag/miert-nem-szaguld-a-szep-szamok-ellenere-a-magyar-gazdasag>, (9 May 2017).

**What Makes a Good Judge;
Judicial Ethics and Professional Conduct***

Mahdi Naseri Dowlatabadi**

Mustafa Saburi***

Received: 05/10/2017

Accepted: 16/12/2017

*“There is no guaranty of justice except the personality of the judge.”
Eugene Ehrlich*

Abstract:

Disambiguation and shedding light on the judicial qualities and virtues of good judges would affect the judges who lack these qualities and virtues in the process of ongoing learning and emulation. Eventually, continuous expanding of this process will increase believes and trusts of public to a judicial system. For this reason, this article from a historical and comparative perspective explains judicial virtues in the past eras, various legal cultures and different scientific theories. Furthermore, in summary, the present study addresses judges 'role in Europe based on current development in this continent such as the globalization of law and the importance of the Human Rights Declaration. In addition, this study identifies virtues and skills of the good judges conducting a survey of employed judges, trainee judges and graduate applicants attending the test of judgment. In conclusion, it is argued that a good judge depicted the high values of Independence and impartiality, Trustworthiness and morality.

Key Words: Good judge, Judicial virtues, Judicial perception, Impartiality.

*Researched by LiLi Barna, Dorottya Juhasz, Soma Marok & Dora Virag Dudas (Tutor);
Published by the "European Judicial Training Network", 2017.

**Ph.D Student of Private Law at University of justice.

naserimahdi88@yahoo.com

***Ph.D Student of International Relations at Tehran University.

m.sabori@ut.ac.ir